

## عنوان مقاله:

سیاستگذاری فرهنگی در ایران دوران اصلاحات از منظر انتقادی

## محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های سیاسی، دوره 1، شماره 2 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

## نویسندگان:

امیر مسعود شهرام نیا - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مرضیه چلمقانی - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

## خلاصه مقاله:

هنر پدیده پیچیده ای است که دارای جنبه های مختلف است. با هر نوع نگرش به یکی از جنبه های هنر، نوع خاصی از مطالعه و روش های مطابق با آن به وجود می آید. یکی از این نگرش ها، نگرش جامعه شناختی به هنر است. جامعه شناسی هنر در جست و جوی تاثیرات اجتماعی بر هنر است. عواملی که به طور معمول از این منظر مورد بحث قرار می گیرند عبارت اند از: هنرمند، مخاطب هنر، آثار هنری، تاثیرات هنری و سیاستگذاری فرهنگی. سیاستگذاری فرهنگی بر اراده دولت در ایجاد یا تحکیم و یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ معطوف است. بر اساس نوع ساخت سیاسی و میزان مداخله دولت در این عرصه دو نقش «تصدی گری» و «نظارت» برای دولت متصور است. بر اساس رویکرد انتقادی جامعه شناسی هنر، هنر زمانی قادر به انجام کارکرد اصلی خود یعنی کارویژه انتقادی است که وجهی مستقل به خود بگیرد. شکل گیری هنر مستقل به طور مستقیم تحت تاثیر نوع ساخت سیاسی و نقش سیاست گذارانه دولت در عرصه فرهنگ است؛ بدین ترتیب با رویکرد انتقادی به هنر از خلال نگرش جامعه شناختی به مساله سیاست گذاری فرهنگی، مقاله حاضر در پی بررسی نقش و تاثیر دولت بر مساله فرهنگ و هنر در گفتمان اصلاح طلبی ایران پس از انقلاب اسلامی در سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ است. از این رو این مقاله به طور مشخص در پی بررسی نسبت میان ساخت سیاسی دولت و مساله سیاستگذاری فرهنگی از یک سو و از سوی دیگر بررسی تاثیر این نسبت بر تحولات حوزه فرهنگ و هنر جامعه از منظر جامعه شناسی هنر است.

## کلمات کلیدی:

سیاست فرهنگی، هنر، اصلاحات، توسعه فرهنگی، زیبا شناختی انتقادی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1366368>

